



مؤلفه‌های شکل‌دهنده منظر فرهنگی شهرستان عباس‌آباد

مازندران

هانیه صادقیان* اکرم خلیلی** سیامک نیری فلاح***

چکیده

رابطه متقابل انسان و محیط را می‌توان بسترساز ظهور مکان رخدادهای اجتماعی تلقی نمود. منظر فرهنگی، حاصل برآیند طبیعت، فرهنگ و تاریخ در گذر زمان، دربردارنده ارزش‌های فرهنگی-طبیعی است که تعامل میان انسان و طبیعت در طول تاریخ را نشان می‌دهد. از این‌رو، گسست رابطه انسان و محیط را می‌توان ناشی از عدم توجه کافی به منظر فرهنگی به‌عنوان عامل شکل‌دهنده ارتباط ادراکی دانست.

اهداف این مطالعه به ترتیب شامل؛ شناسایی مؤلفه‌های شکل‌دهنده منظر فرهنگی مورد مطالعه و یافتن جنبه‌های مجهول ارزش‌های ماهیتی منحصر به فرد این مؤلفه‌ها در منطقه انتخابی هستند.

پژوهش حاضر با پارادایم تفسیرگرایی، دارای ماهیت نظری-کاربردی بوده که با رویکرد کیفی و راهبردهای ترکیبی شامل؛ مطالعه موردی و مطالعات تاریخی-تطبیقی، طراحی شده است. راهبرد نمونه‌گیری در داده‌های میدانی غیرتصادفی هدف‌دار بوده است. روش گردآوری داده‌ها در این مطالعه، به صورت میدانی (شامل مصاحبه با ۱۳ نفر از متخصصان بر اساس اصل اشباع) و کتابخانه‌ای بوده است. یافته‌های حاصل از این فرآیند به انضمام تحلیل محتوای مستندات راهبرد مطالعه تاریخی-تطبیقی، منتج به استخراج یافته‌های پژوهش شدند.

طراحی فضای شهری بر اساس منظر فرهنگی، با ایجاد تجربه‌ای جدید از منظر شهری، در نقش یک محرک، کنش‌های اجتماعی را به همراه دارد؛ بدین معنی که زندگی اجتماعی در شهرها و درهم‌تنیدگی ذهنی مردم با شهر، متأثر از مناظر فرهنگی به‌کار گرفته شده در مکان‌های شهری بوده که منجر به ارتقای احساس تعلق و مانایی این حس در فرآیند تغییر نسل‌ها خواهد شد. از سوی دیگر، پرداختن به کیفیات فیزیکی اثرگذار در محیط مانند؛ مقیاس، فاصله، زمان و شرایط ادراک، در ایجاد ارتباط مخاطب با محیط بسیار مؤثر است. به‌بیان دیگر، بهره‌گیری از این معیارها باعث ارتقای روح مکان و تجلی زیبایی تمامی فرآیندهای موجود در یک دوره زمانی با کیفیتی خاص خواهد شد، زیرا درهم‌تنیدگی ذهنی شهروندان زمانی شکل خواهد گرفت که احساس تعلق به شهر در جای جای آن وجود داشته باشد؛ به‌گونه‌ای که مردم با این حس در فضای شهری حضور یابند و خود را شهروندی فعال در ساخت و حیات آن شهر بدانند.

کلیدواژه‌ها: منظر شهری، منظر فرهنگی، ادراک محیط، منظر عینی، منظر ذهنی

* کارشناس ارشد معماری، مرکز تحقیقات مهندسی کیفیت، دانشگاه آزاد اسلامی استان مازندران، واحد نور، ایران.

sadeghianhaniye@gmail.com

a_khalili@iaunour.ac.ir

s_nayyerifallah@iaunour.ac.ir

** استادیار گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی استان مازندران، واحد نور، ایران (نویسنده مسئول).

*** استادیار گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی استان مازندران، واحد نور، ایران.

مقدمه

منظر فضای شهری، همه اطلاعات موجود از فضا است که توسط حواس قابل دریافت بوده و در فرآیند ادراک پردازش می‌شود. این اطلاعات شامل؛ فرم، عملکرد و معنای فضا و بخشی از کل شهر است که ناظر آنها را دریافت می‌کند (پاکزاد، ۱۳۸۵: ۲۲). از این‌رو، مفهوم منظر برای انسان‌ها متفاوت است؛ زیرا رابطه مستقیم با خاطرات و تجربیات آنها دارد (کالن، ۱۳۸۲: ۱۴۷). به بیان دیگر، می‌توان گفت که منظر شهری، به نوعی یکپارچه‌سازی ساختاری و بصری همه اجزای تشکیل‌دهنده محیط است که شهر را می‌سازند. به همین دلیل، منظر را نمی‌توان تنها در کالبد و عناصر دائمی خلاصه کرد؛ چرا که کیفیت و معنا را هم در بر دارد. از سوی دیگر، نمی‌توان آن را مفهومی تجربیدی و انتزاعی دانست؛ زیرا از طریق کالبد و حواس ادراک می‌شود و در واقع، پدیده‌ای عینی-ذهنی است (چشمه‌قصابانی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۴). بنابراین، باید توجه داشت که نظریه منظر شهری که بر پایه جهان دو قطبی دکارت بنا نشده، نه تنها شهر را موجودی مستقل از زمان و مکان نمی‌داند، که آن را موجودی پویا، متغیر و در حال حرکت می‌بیند که با خود، دامنه فرهنگ، جامعه و نگاه انسان را نیز تغییر می‌دهد (گلکار، ۱۳۸۵: ۴۷). از این دیدگاه، فرآیند احساس، ادراک و شناخت، یکی از مهم‌ترین ابعاد طراحی محیطی است که تجربه مکان را برای انسان هموار می‌سازد؛ بدین معنا که برای طراحی محیط‌های سازگار و متناسب با نیازهای ادراکی-رفتاری شهروندان، لازم است تا شناختی صحیح از رابطه بین انسان و محیط حاصل نمود. به عبارتی، در طراحی محیطی، شناخت رابطه بین عناصر و شکل محیط و نیز تأثیر آن بر سطوح مختلف احساسی و ادراکی استفاده‌کننده از محیط، دارای اهمیت خاصی است (براتی و سلیمان‌نژاد، ۱۳۹۰: ۲۰). هر کالبد اجتماعی، سیستمی از الگوهای واحد است که تحت تأثیر رویدادها، فرهنگ‌ها و فعالیت‌های اجتماعی شکل می‌گیرد. بنابراین، ایجاد قرارگاه‌هایی رفتاری در قسمتی مشخص از محیط شهری، زمینه‌بازرزشی از تجربه زندگی روزمره مردم را فراهم می‌کند و امکان برخوردها و تجارب روحی، فرهنگی و اجتماعی را میسر می‌سازد. همین امر، باعث ایجاد دل‌بستگی به محیط، حس مکان و افزایش تعاملات اجتماعی بین ساکنان شهر می‌شود.

از سوی دیگر، باید توجه داشت که ورود اندیشه‌ها و الگوهای توسعه غیربومی در کنار رشد جمعیت و در پی آن شکل‌گیری زندگی ماشینی، روند آسیب به مناظر شهری و بافت‌های ارزشمند

شهرها را افزایش داده است؛ امری که نه تنها بر خاطرات فردی و جمعی شهروندان خدشه وارد می‌نماید، بلکه زمینه‌ساز بروز مشکلات روحی و روانی استفاده‌کنندگان از فضا نیز خواهد شد. بنابراین، انجام چنین پژوهش‌هایی در شهرهایی با قابلیت‌های فرهنگی و تاریخی فاخر، نه تنها ضروری که اجتناب‌ناپذیر است. از این‌رو، مطالعه حاضر با هدف تبیین مؤلفه‌های شکل‌دهنده منظر فرهنگی شهر عباس‌آباد (استان مازندران) از طریق راهبرد ترکیبی مطالعه موردی و مطالعات تاریخی-تطبیقی، در پی پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها است که اگر چه به‌طور کلی و در قالب‌های تئوریک، مؤلفه‌های منظر فرهنگی در شهر بر ارتقای کیفیت فضایی و تأثیر مثبت بر ادراک شهروندان (برای افزایش رفتارهای مطلوب شهری) مؤثر هستند، آیا راهکارهای کلی در خصوص محورهای فرهنگی-تاریخی، که با هویت و سابقه ذهنی و عاطفی و باورهای فرهنگی مردم شهر رابطه تنگاتنگ دارند، می‌توانند پاسخ‌گوی طراحی منظر فرهنگی شهرها باشند؟ و جنبه‌های مجهول ارزش‌های ماهیتی منحصر به فرد این مؤلفه‌ها در منطقه مورد مطالعه کدام هستند؟

در مورد پژوهی مطالعه، شهرستان عباس‌آباد، به‌عنوان یک شهر با قدمت چند صد ساله، با داشتن فرهنگی بومی و غنی می‌تواند در زمره مناظر فرهنگی قرار گیرد. بررسی‌ها نشان می‌دهند که کم‌رنگ شدن نقش رویدادها در جوامع، باعث از دست رفتن تدریجی فضای مناسب و تعریف‌شده (زمینه‌های فعالیت) برای مشارکت مردم شده است؛ امری که می‌توان آن را به‌عنوان حذف یکی از بسترهای اصلی ایجاد تعاملات شهروندان برشمرد. از این‌رو، این پژوهش، با هدف بهره‌گیری از ماهیت منحصر به فرد مفهوم منظر فرهنگی منطقه (درک و بیان) در راستای تقویت پیوند میان فرهنگ مردم و محیط در طول تاریخ طراحی شد تا مفهوم فرهنگ را در تعاریف منظر با معنی آن به‌عنوان میراث درآمیخته و تحلیلی بر سازوکارهای منجر به شکل‌گیری مناظر شهری ارائه نماید؛ تحلیلی که زمینه‌ساز بروز رفتارهای اجتماعی و تعاملات شهروندان و ارتباط بیشتر انسان‌ها با محیط می‌شود.

پیشینه پژوهش

منظر، یک کل است که می‌توان آن را به طبیعت، فرهنگ، تاریخ، شهر، روستا و هر پدیده عینی دیگر تعمیم داد. پدیده‌ای عینی، ذهنی، پویا و نسبی که محصول تعامل انسان با طبیعت و جامعه با تاریخ است. منظر، گونه‌ای دیگر از مکان است که دارای ماهیت مکان و محصول تجربه انسان در فضا است (منصوری، ۱۳۸۹). کنوانسیون منظر اروپا در تعریفی گسترده، منظر را در مفهوم، ناحیه‌ای می‌داند که توسط مردم درک

با ویژگی منحصر به فرد آن، به صورت نمایشی مرکب از آثار "طبیعی و انسانی" تعریف کرده است (Fowler, 2003). منظر فرهنگی، مفهومی است در بردارنده ارزش‌های فرهنگی و طبیعی (مخلص و دیگران، ۱۳۹۲) که نشانگر تعامل میان انسان و طبیعت در طول تاریخ است. مکان تجلی طبیعت و فرهنگ در گذر زمان (Griñán Montealegre et al, 2019) که غالباً از هویت و کیفیت مکانی خوبی برخوردار است. بنابراین، فرهنگ، آداب و رسوم، جشن‌ها، صنایع دستی، تاریخ و غیره می‌توانند به‌عنوان منظر فرهنگی ادامه‌دار، صفات خود را بروز داده و جزء دارایی‌های فرهنگی به حساب آیند.

ادراک، دریافت و تجربه در محیط

محیطی که در آن مردم برنامه‌ها و فعالیت‌های خود را انجام می‌دهند، برخوردار از روابطی دو سویه است. افراد، محیط را متأثر می‌نمایند و محیط، افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این رابطه، ادراک محیط بر چگونگی شکل‌گیری فعالیت‌ها در فضاها تأثیرگذار است. در رابطه با دریافت و

شود؛ منطقه‌ای که ویژگی‌های آن، ناشی از تعامل مؤلفه‌های انسانی و طبیعی بوده و طبیعت، مناطق شهری، روستایی و حومه شهری را در بر می‌گیرد. به بیان دیگر، می‌توان گفت که منظر، گونه‌ای دیگر از مکان و محصول تعامل انسان و محیط در فضاهای بیرونی است (Ives et al, 2017). منظر شهری، دانش شناخت مفهوم شهر نزد شهروندانی است که در طول تاریخ در آن محیط زیسته و با کالبد طبیعی و مصنوع محیط، ارتباطی معنایی تولید کرده‌اند؛ ارتباطی که در تداوم حیات معقول آنها نقش اساسی دارد. منظر شهری نسبت به منظر در مفهوم کلی، جزئی‌تر بوده و تلفیق سه‌گانه‌ای از؛ منظر عینی شهر، منظر ذهنی شهر و منظر عاطفی شهر است که مبنای رفتار قرار می‌گیرد (گلکار، ۱۳۸۵). جدول ۱، برخی از ویژگی‌های مناظر ذهنی و عینی را نشان می‌دهد.

در سلسله مراتب مفهومی مقوله منظر، منظر فرهنگی در رتبه‌ای پس از منظر شهری قرار دارد. کمیته میراث جهانی یونسکو، منظر فرهنگی را به‌عنوان تمایز جغرافیایی سرزمین‌ها

جدول ۱. برخی از معیارهای قابل توجه به منظر عینی و ذهنی از دیدگاه صاحب‌نظران طراحی شهری

صاحب‌نظران حوزه طراحی شهری											
جین جیکوبز	کوپن لینچ	ویلیوچ	یان بنتلی	راجر ترانیک	کولمن	آلن جیکوبز	مایکل ساوت ورت	فرانسیس تیبالدز	گرین		برایان گودی
											خوانایی
											مبلمان شهری
											عناصر گرافیکی محیط
											ارتباط و هماهنگی بصری اجزا
											نورپردازی مناسب
											استفاده از عناصر طبیعی
											تقویت بعد عملکردی و فعالیتی
											استفاده از ابزار طراحی
											خاطره‌نگیزی مکان
											برگزاری مراسم جمعی
											نمادها و نشانه‌ها

(گلکار، ۱۳۸۰)

تجربه فضا، کانتر عقیده دارد که هرگاه دریافت و تجربه یک مکان، قابل تجزیه به اجزای قابل تشخیص باشد، دریافت و تجربه، خود به مثابه واحد مرجعی برای درک و فهم رفتار خواهد بود (Canter, 1983: 673). برونسویک عنوان می‌کند که انسان‌ها نقش بسیار فعالی را در سازمان‌دهی ادراک خود از محیط بازی می‌کنند. این الگو نشان می‌دهد که ما در تلاش برای معنی‌دهی به اطلاعات حسی که در هر زمان دریافت می‌کنیم، به تجارب قبلی در محیط خود وابسته هستیم تا به برآوردی سودمند از وضعیت واقعی محیط تبدیل شوند (مک اندرو، ۱۳۹۲). وی با مطرح کردن نظریه کنش‌گرایی احتمالی، معتقد است ارگانیزم و محیط در فرآیند ادراک مؤثر هستند؛ زیرا محیط، محرک‌های متعددی را ارائه می‌دهد و مشاهده‌گر برای رفتار یا کنش مطلوب، باید مهم‌ترین آنها را به درستی معنی کند (کریمی یزدی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۴).

گر چه ادراک از نقطه نظرات گوناگونی مورد رجوع قرار گرفته، اما رویکرد پذیرفته‌شده متداول در این رابطه، مبین این است که چگونه حواس مشترک، به محیط و مکانی که در آن هستند واکنش نشان می‌دهند. این امر، بر میزان تبادل و تعامل افراد و محیط آنها دلالت دارد. در اینجا کاربرد عبارت "تبادل و تعامل" بر این امر تأکید دارد که ادراک‌کننده و ادراک‌شونده، اجزای یک فرآیند واحد هستند که مجموعه‌ای تبدالی در نظر گرفته می‌شوند و هیچ‌یک از اجزا به‌طور مستقل قابل ملاحظه نیست. بر خلاف دیدگاه عینیت‌گرایی که محرک‌های محیطی را موجب ادراک می‌داند، دیدگاه تبدالی، ادراک‌کننده را نیز به‌عنوان محرک در نظر می‌گیرد. بنابراین همان‌گونه که میشل نیز معتقد است، محیطی که می‌شناسیم، حاصل ادراک است و نه سببی برای ادراک (Mitchell, 2008: 27). علاوه بر این و همان‌گونه که در جدول ۲ نیز می‌توان دید، ادراک، خود به‌عنوان جزئی از مقوله

جدول ۲. عوامل مؤثر بر ادراک فضا در محیط شهری

توضیحات	موارد	تقسیم‌بندی عوامل مؤثر بر ادراک	
شرایط محیطی مؤثر بر گیرنده‌های حسی مانند؛ دما، نور، رطوبت، فشار باد و ...	شرایط ادراک	عوامل مربوط به محیط	عوامل مؤثر بر ادراک
تغییر ادراک در فواصل مختلف (فاصله کمتر = ادراک جزئیات بیشتر، فاصله بیشتر = درک لکه‌های کلی از فضاها).	فاصله فرد از شیء		
(۱) تغییر ادراک در مقیاس‌های مختلف (طراحی فضا با مقیاس مناسب). (۲) اندازه فضا در مقایسه با اندازه زمینه آن، اندازه فضا در مقایسه با بیننده.	مقیاس		
(۱) تغییر ادراک در زمان‌های مختلف. (۲) بهره‌گیری از طرح‌های فضایی باز جهت جای‌گیری مناسب در شبکه زمانی با ایجاد امکان وقوع فعالیت‌های مختلف در زمان‌های متفاوت.	زمان	عوامل مربوط به فرد	
(۱) ظرفیت ادراک = حداکثر توانی که یک فرد برای ادراک محیط دارد = لزوم قرار دادن میزان اطلاعات مناسب به دستگاه ادراکی مخاطب متناسب با انتظارات استفاده‌کننده از مکان. (۲) ارتقای غنای ادراک با تعیین نحوه حرکت استفاده‌کنندگان در محیط و طراحی آن به صورت تجربه‌ای حسی و متحول‌شونده.	ظرفیت ادراک		
(۱) خصوصیات و حالات روحی. (۲) آمادگی ذهنی برای ادراک (ارزش‌ها، معیارها، اولویت‌ها، تجارب، اهداف و استعدادها و موقعیت فردی، حالات روحی، خواب‌آلودگی، انگیزه، بی‌توجهی و عدم تمرکز، انتظارات، شغل و ...). (۳) اولویت‌بندی مشترکات مانند؛ ارزش‌ها، معیارها و اولویت‌های اجتماعی، علایق جمعی و انتظارات افراد.	آمادگی ادراک		
(۱) معنی‌بخشی ارزش‌ها و نگرش‌های متأثر از شرایط اجتماعی و فرهنگی. (۲) وابستگی ادراک به زمینه‌های محلی، محیطی و تجربیات پیشین (اعتبار اکولوژیک).	تأثیر اجتماع	عوامل مربوط به فرد	
(۱) توجه به بیان لفظی به‌عنوان عواملی اثرگذار بر چگونگی ادراک. (۲) تأثیر تخصص، دامنه لغات و تجربیات افراد در نوع ادراک.	ترکیبات لفظی (زبان)		
(۱) ساده‌سازی و تسریع تشخیص و ادراک محرک‌های مشابه در موقعیت‌های بعدی. (۲) تأثیر ویژگی‌های اجتماعی-فرهنگی بر احساس خوشایند یا ناخوشایند از ادراک پدیده‌ها. (۳) تغییر فرآیند ادراک از عینیت محیط به ذهنیت فرد.	گزینش و مقاومت ادراکی		

(پاکزاد و بزرگ، ۱۳۹۱)

(147: 2017). این بدین معنا که منظر فرهنگی، ارتباطی بسیار قوی با زمینه انسان‌شناسی دارد؛ به‌گونه‌ای که این منظر می‌تواند به‌عنوان یک تصویر کلی از ساختار اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی یک جامعه شناخته شود (جدول ۳). مناظر فرهنگی، ویژگی‌های فیزیکی، زیستی و فرهنگی هر جامعه را بر پایه گرایش‌های فرهنگی و رویدادهای تاریخی آن جامعه منعکس می‌کنند (Ibid). این بدان دلیل است که منظر فرهنگی در پیوند با طبیعت و در طول تاریخ شکل گرفته و حیات می‌یابد (مخلص و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۷). این مناظر که به‌طور مداوم در حال تغییر بوده، نشان‌دهنده تعامل پویا بین نیروهای طبیعت و فرهنگ در محیط هستند. بنابراین، مفهوم حفاظت از چشم‌انداز فرهنگی باید این ویژگی‌های پویا را با هم تطبیق دهد (Fatimah, 2015: 571).

فرهنگ

فرهنگ و بازنمودهای فرهنگی همواره در نقش جزئی جدایی‌ناپذیر از مناسبات شهر محسوب می‌شوند. فرهنگ به‌عنوان نماینده هنر، آداب و رسوم (Amin, 2008: 14)، راه و روش زندگی کردن (Rapoport, 2005: 74)، الگوهای عادت و رفتاری (Francis et al, 2012) و ابزار مشترک زندگی (Khalili et al, 2018: 443)، قابل شناسایی است. از این‌رو، هر شهری (پهنه هویت‌مند جغرافیایی)، با فرهنگ و باره‌های فرهنگی مختص به خود شناخته می‌شود؛ زیرا فرهنگ، بخش انسان‌ساخت محیط انسانی است که در اسیا و محیط فیزیکی ظاهر می‌شود. طرح‌ها و ساختارهای عمومی به‌طور صریح، بازتاب ارزش‌ها و اعتقادات یک فرهنگ هستند. لذا

کلی‌تر تعامل افراد و محیط واقعی در نظر گرفته می‌شود. در واقع، فراتر از محیط دریافتی، محیط ادراکی است؛ زیرا تجارب انسانی و محیط انسان‌ساخت به وسیله افکار، مفاهیم و ایده‌های انسان‌ساخت می‌یابند (Bartuska, 2007: 35). این محیط، به واسطه ایده‌ها و معانی که انسان بدان می‌بخشد شکل می‌گیرد؛ بدین معنی که مفاهیم، معانی و نمادهایی که برای بیان واقعیت مورد استفاده قرار می‌گیرند، خود به مثابه بخشی از محیط واقعی تلقی خواهند شد (دانشگر مقدم و دیگران، ۱۳۹۰: ۳۰).

منظر فرهنگی

اصطلاح منظر فرهنگی به منزله مفهومی مشترک در رشته‌های وابسته به مطالعات محیطی شناخته می‌شود؛ ساوور منظر طبیعی را شامل سه عامل؛ زمین‌شناسی، آب و هوایی و گیاهی می‌داند که با اضافه شدن عامل فرهنگ در اثر زمان به آن، نقش واسطه یافته و فرم‌های مختلف منظر فرهنگی را تشکیل می‌دهد (Sauer, 1938: 33). از جمله این تعاریف، می‌توان به تعریف مرکز میراث جهانی یونسکو اشاره کرد که به گنجانده شدن منظر فرهنگی در راهنمای عملیاتی کنوانسیون میراث فرهنگی و طبیعی جهان، نخستین متولی بین‌المللی حفاظت منظرهای فرهنگی شناخته شد. این مرکز، مناظر فرهنگی را "ترکیبی از فعالیت انسان و طبیعت" تعریف می‌کند. منظرهای فرهنگی، گویای سیر تکامل جوامع و سکونتگاه‌های آنها تحت تأثیر فشارها یا فرصت‌هایی هستند که طبیعت یا نیروهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی (داخلی و خارجی) به صورت پیوسته ایجاد می‌کنند (Bille Larsen et al,

جدول ۳. منظر فرهنگی از دیدگاه برخی صاحب‌نظران

ردیف	مؤلف	دیدگاه
۱	Sauer, 1938	منظر فرهنگی: نتیجه فرهنگ به‌عنوان عامل و ناحیه طبیعی در نقش واسطه
۲	Eckbo, 1969	منظر فرهنگی: متأثر از فرهنگ بومی و محصول فرآیندسازی طبیعت و فرهنگ
۳	Lewis, 1979	منظر فرهنگی: متناظر با محیط بیرونی
۴	Aalen, Whelan & Stout, 1997	منظر فرهنگی: زاینده لایه‌های در هم پیچیده تاریخ و طبیعت
۵	Buggey & Mitchell, 2003	منظر فرهنگی: محصول درهم‌تنیدگی فرهنگ و جغرافیا
۶	Longstreth, 2008	منظر فرهنگی: نتیجه فرآیندهای تغییر مؤلفه‌های طبیعی و انسان‌ساخت محیط
۷	Wu, 2010	منظر فرهنگی: واگوکننده نمودهای انسانی در بستر فرهنگ
۸	Harden, 2012	منظر فرهنگی: نتیجه تعامل انسان و طبیعت
۹	Moore & Tully, 2018	منظر فرهنگی: نماینده الگوهای سکونت و سیر تکامل ارزش‌های فرهنگی

(نگارندگان)

مورد دسته‌بندی‌های مختلفی قرار گرفته؛ دسته‌بندی‌هایی که به واسطه بروز ناکارآمدی‌های مکرر در پژوهش‌های کمی، به سمت کیفی شدن سوق یافته‌اند. در این میان، مریام پارادایم‌ها را در قالب سه‌گانه؛ تفسیرگرایی، تئوری انتقادی و پساساختارگرایی، تقسیم نموده است: (Merriam, 2009) (9). مبتنی بر این تقسیم‌بندی، پژوهش حاضر، پارادایمی تفسیرگراییانه دارد؛ زیرا بر تفسیر معنی متکی بوده و تلاش می‌کند تا نقش انسان در خلق و درک معنی را بارز نماید. این پارادایم را جوشی نیز در مطالعه خود در حوزه منظر پایدار در مورد انتخابی خود به کار گرفته (Joshi, 2019) (93) و توانسته است معانی مرتبط با جذب پایدار گردشگر فرهنگی را در بستر تفسیر استخراج نماید. همچنین، اندرودی و صحراکاران (۱۳۹۶)، دانایی‌نیا و ایل بیگی پور (۱۳۹۶) نیز در مطالعات خود، این پارادایم را برای دستیابی به جنبه‌های پنهان فرهنگی زندگی در حوزه تمرکز مطالعه خود، پیشنهاد می‌دهند. با توجه به استوار بودن این پارادایم بر جنبه‌های کیفی تفسیر (Brown, 2019: 106; Tesfamariam et al, 2019: 111)، رویکرد مطالعه حاضر نیز کیفی است. این رویکرد، در اغلب پژوهش‌های اشاره‌شده فوق که بر درک و شناخت لایه‌های مختلف عناصر شاکله منظر فرهنگی متمرکز هستند، به کار گرفته شده است. همچنین در این پژوهش،

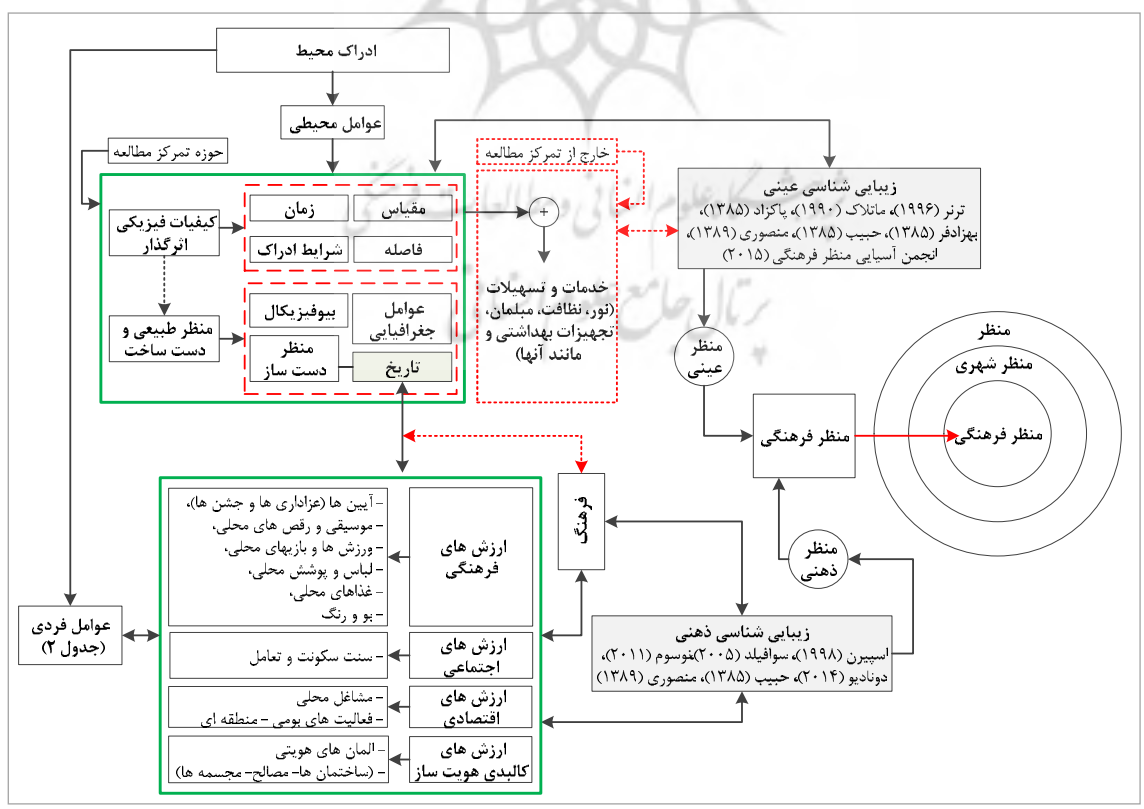
همان‌گونه که کوکی و دیگران (۱۳۸۴: ۸) نیز بیان می‌دارند، فضای شهر با محتوای عمیقاً اجتماعی، محصولی فرهنگی به شمار می‌آید. همچنین اکبو معتقد است که عواملی همچون؛ الگوهای اجتماعی، آداب و رسوم، قوانین و سنت‌های انسانی و در یک کلام فرهنگ، اهمیت و قدرت تأثیرگذاری بر منظر دارند (Eckbo, 1969: 571). واژه فرهنگ در تعاریف پایه، بیان‌کننده رابطه مردم با محیط به منظور آبادانی و حضور ارزش‌های ملموس و غیرملموس بوده و وجه مشترک میان مفهوم منظر و دارایی فرهنگی است (اندرودی و صحراکاران، ۱۳۹۶: ۳۵).

چارچوب مفهومی

تصویر ۱، چارچوب مفهومی پژوهش که دربرگیرنده ارتباطات معنایی حوزه‌های نظری مورد توجه نگارندگان است را ارائه می‌دهد.

روش پژوهش

پارادایم را می‌توان مجموعه‌ای از ارزش‌ها، عقاید و تکنیک‌هایی دانست که در جامعه علمی به صورتی مشترک و در قالب جهت‌یاب تئوریک به کار می‌رود (نیری فلاح و خلیلی، ۱۳۹۶: ۱۶۴). پارادایم‌ها در جریان توسعه دانش،



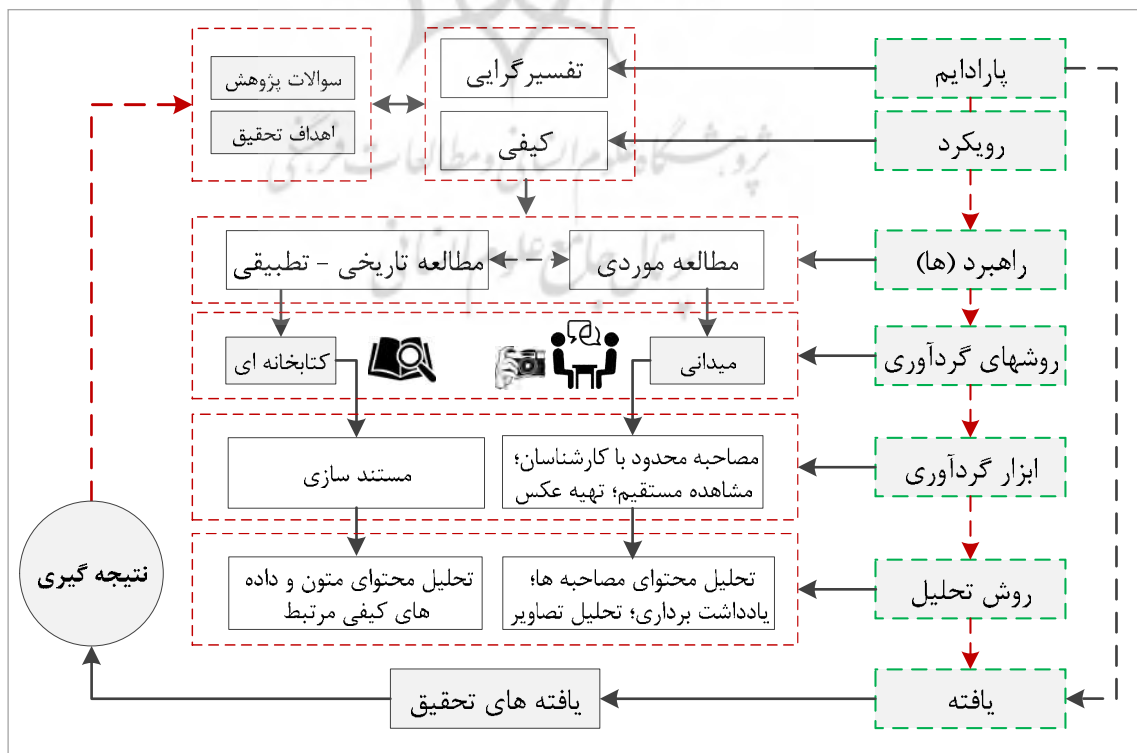
تصویر ۱. چارچوب مفهومی مطالعه (نگارندگان)

حادث شده، علاوه بر راهبرد مطالعه موردی، راهبرد مطالعات تاریخی-تطبیقی را نیز به عنوان استراتژی کارا در حوزه منظر فرهنگی انتخاب نموده است. کارایی این راهبرد اخیر در پژوهش‌های متعددی در حوزه منظر فرهنگی مورد استفاده قرار گرفته است (Agnoletti, 2014: 69; Connelly et al, 2010: 306; Lane, 2010: 632; 2019). بر پایه موارد اشاره شده، این تحقیق برای دستیابی به جامعیت یافته‌ها و ارتقای اعتبار آنها، از راهبردهای ترکیبی (Creswell, 2007: 250) استفاده نموده است.

بر اساس آنچه بیان شد و همان گونه که ابوالمعالی (۱۳۹۱) نیز اشاره کرده است، بر پایه رویکرد و استراتژی‌های ترکیبی تحقیق، روش گردآوری داده‌ها نیز تلفیقی از دو شیوه میدانی و کتابخانه‌ای خواهد بود. همان گونه که در تصویر ۲ نیز می‌توان دید، ابزار مورد استفاده در روش میدانی و در راهبرد مطالعه موردی، شامل؛ مشاهده مستقیم، تهیه عکس و مصاحبه محدود با افراد آگاه و ابزار مورد استفاده در روش کتابخانه‌ای و راهبرد مطالعه تاریخی-تطبیقی، شامل؛ جمع‌آوری مستندات تاریخی و محتوایی مرتبط با اهداف مطالعه بوده است. حجم نمونه با راهبرد نمونه‌گیری غیر تصادفی هدف‌دار (Weathington et al, 2010: 91) و متکی بر اصل اشباع (King et al, 2010: 34) در جامعه هدف مصاحبه‌شوندگان، سیزده نفر شامل؛ نه

راهبردهای (استراتژی) انتخابی جهت پاسخ به سؤالات مطالعه و نیل به اهداف تحقیق، به صورت ترکیبی شامل مطالعه موردی و مطالعات تاریخی-تطبیقی (Groat, 2013: 145 & 341) طراحی شده‌اند.

لازم به توضیح است که هدف کلی در هر مطالعه موردی، مشاهده تفصیلی ابعاد تحت مطالعه و تفسیر مشاهده‌ها از دیدگاه کل‌گرا است. از این رو، مطالعه موردی بیشتر به روش کیفی و با تأکید بر فرآیندها و درک و تفسیر آنها انجام می‌شود. در این رویکرد، مورد چنان انتخاب می‌شود که نمایان‌کننده وضعیت یا حالت کلی تحت مطالعه و یا مثالی از پدیده(های) منظور نظر باشد که پژوهشگر در نظر دارد درباره آنها به درک عمیقی دست یابد (سرمد و دیگران، ۱۳۸۴). این راهبرد را میلان نیز در مطالعه منظر فرهنگی، مورد استفاده قرار داده است (Milan, 2017: 24). وی ضمن برشمردن مزیت‌های راهبرد مطالعه موردی برای دستیابی به ژرفای پدیده‌های شکل‌دهنده منظر فرهنگی مورد انتخابی خود، به جنبه‌های خلاقانه آن نیز اشاره نموده است. اما مطالعه حاضر برای دستیابی به جامعیت در حصول به اهداف، راهبردی ترکیبی را طراحی نمود؛ بدین معنا که با توجه به اهمیت پایه‌ریزی مطالعات فرهنگی بر بستر تاریخ و تطبیق و لزوم تمرکز بر موضوعی معین که در گذشته و در یک مقطع زمانی مشخص



تصویر ۲. سازمان‌دهی پژوهش (نگارندگان)

استاد دانشگاه در زمینه‌های؛ معماری (۲ نفر)، طراحی شهری (۲ نفر)، مردم‌نگاری (۲ نفر)، تاریخ (۱ نفر) و ژئوتوریسم (۲ نفر) و چهار کارشناس میراث فرهنگی بوده است. داده‌های گردآوری شده مرتبط با مطالعه موردی از روش تحلیل تصویر و نیز متن مصاحبه‌های انجام‌شده، مورد تحلیل محتوا واقع شدند. یافته‌های حاصل از این فرآیند به انضمام یافته‌های مستخرج از فرآیند تحلیل محتوای داده‌های گردآوری شده در راهبرد مطالعه تاریخی-تطبیقی، شامل مستندات ارزش‌های فرهنگی منطقه مورد مطالعه، منتج به استخراج یافته‌های مطالعه شده‌اند.

مورد پژوهی: شهرستان عباس‌آباد مازندران

شهرستان عباس‌آباد واقع در استان مازندران، یکی از مناطق با پیشینه تاریخی قدرتمند و پتانسیل‌های ارزشمند طبیعی در شمال کشور است. این شهرستان علی‌رغم دارا بودن امکان رشد از طریق بهره‌گیری از معیارهای منظر فرهنگی، هنوز جایگاه شایسته‌ای را در مقایسه با شهر هم‌جوار خود (سلمان‌شهر (متل قو)) و در کل استان به دست نیاورده و لذا این کاستی، بر میزان تعلق شهروندان این منطقه نیز تأثیر نامطلوب داشته است. از این رو، این مطالعه با این فرضیه که مؤلفه‌های منظر فرهنگی بر ارتقای کیفیت فضایی مؤثر بوده و باعث افزایش رفتارهای مطلوب شهری می‌شوند، در راستای نیل به اهداف دوگانه تحقیق شامل؛ الف) شناسایی محورهای فرهنگی-تاریخی عباس‌آباد (مرتبط با هویت، سابقه ذهنی و عاطفی و باورهای فرهنگی مردم) در جهت دست‌یابی به الگوهای موجود منظر فرهنگی مورد مطالعه و ب) معاصر سازی این مؤلفه‌ها برای بازتعریف و ارائه راهکارهایی متناسب با زمان در محدوده مکانی مورد مطالعه، اقدام خواهد نمود.

تحلیل داده‌های گردآوری شده

بر اساس ضبط، خلاصه‌سازی، کدبندی داده‌های گردآوری شده از طریق مستندسازی اطلاعات کتابخانه‌ای و نیز تحلیل محتوای صورت‌گرفته بر متن مصاحبه‌های

نیمه‌ساختاریافته با کارشناسان، مشخص شد که عوامل ذهنی نسبت به عوامل عینی، از اهمیت جزئی بالاتری برخوردار هستند. همان‌گونه که در تصویر ۳ نیز می‌توان دید، نه نفر از مصاحبه‌شوندگان، بر اهمیت بالاتر عناصر ذهنی و سه نفر از آنها بر اهمیت یکسان عناصر عینی و ذهنی و یک نفر (استاد تاریخ)، به اهمیت بالاتر عناصر عینی اشاره داشته‌اند؛ این در حالی است که پشتوانه نظری مستندسازی شده از منابع کتابخانه‌ای، ساختار یافته‌های اشاره شده را تأیید می‌نماید. بر اساس تحلیل صورت‌گرفته بر مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با متخصصان، عواملی چون اقلیم و عوامل بیوفیزیکال در کنار مصالح آشنا و شکل، از مهم‌ترین بخش‌های مرتبط با عناصر عینی منظر فرهنگی هستند؛ در حالی که تحلیل‌ها نشان داده که در عناصر ذهنی، عواملی مانند آداب و رسوم و شیوه زندگی با ۱۳ مورد اشاره مستقیم، بیشترین اهمیت را داشته‌اند. همچنین، توجه به رنگ، بو و فرم نیز دارای بالاترین تواتر در نظر کارشناسان بوده است؛ در حالی که مواردی مانند مشاغل محلی و تولیدات دست‌ساز، در رتبه بعدی بودند. در ادامه، مستندات مرتبط با مناظر فرهنگی عینی (ملموس از قبیل؛ عوامل جغرافیایی، ساختار بیوفیزیکال و منظر دست‌ساخت) و ذهنی (غیرملموس از قبیل؛ ارزش‌های فرهنگی، ارزش‌های اجتماعی، ارزش‌های کالبدی هویت‌ساز و عوامل اقتصادی) مستخرج از تحلیل داده‌های کتابخانه‌ای و نیز مصاحبه‌ها، در قالب جداول ۴ و ۵، تقسیم‌بندی، توصیف و تبیین شده‌اند.

یافته‌های پژوهش

نتایج تحلیل و بحث صورت‌گرفته بر مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با کارشناسان مورد انتخاب نشان می‌دهند که پرداختن توأمان به هر دو بعد ذهنی و عینی در درک مؤلفه‌های اثرگذار در شکل‌گیری منظر فرهنگی، امری کلیدی است. در این راستا، تحلیل مصاحبه‌های انجام‌شده با متخصصین معماری، طراحی شهری و ژئوتوریسم، نشانگر اشتراک نظر موجود بین کارشناسان حوزه‌های مذکور بر ایجاد رابطه غیرمستقیم و متناسب با فرآیند تغییر نسل (کاربران حال و

1	اهمیت بالاتر عناصر عینی
3	اهمیت متوازن عناصر ذهنی و عینی
9	اهمیت بالاتر عناصر ذهنی

تصویر ۳. فراوانی نظر مصاحبه‌شوندگان در مورد میزان اهمیت عناصر ذهنی و عینی منظر فرهنگی (نگارندگان)

داشته و تأیید نموده‌اند. از یک‌سو، شناسایی و درک معنای جدید هویت و نیز تغییرات ناشی از پیشرفت جوامع، لزوم دستیابی به چارچوب‌های معاصر سازی شده از ارزش‌های بطنی مورد مطالعه را بیش از پیش نشان می‌دهد، از سوی دیگر، مستندسازی متون در دسترس از منابع تاریخی و فرهنگی موجود مورد مطالعه، نشان از ریشه عمیق تاریخ و فرهنگ در شکل‌گیری رفتارها و ارزش‌های مردمان منطقه داشته است. داشته‌هایی که به واسطه هم‌زیستی صحیح با

آینده) بین ارزش‌های تاریخی، فرهنگی، طبیعی و بومی با نیازهای هویتی در عصر جدید و دوره مجازی‌سازی است. همچنین، نتایج حاصل از تحلیل مصاحبه‌ها، بیانگر اهمیت عوامل محیطی اثرگذار در درک معانی فضایی (مکانی) مانند؛ مقیاس، فاصله و نیز ایجاد شرایط کالبدی مناسب برای ادراک بهتر مکان در طول زمان هستند. این همان امری است که علاوه بر معماران و طراحان شهری مصاحبه‌شونده، اساتید مردم‌نگاری و ژئوتوریسم مورد مصاحبه نیز بر آن تأکید

جدول ۴. بررسی و معرفی عناصر منظر فرهنگی عینی شهرستان عباس‌آباد (بر اساس تحلیل داده‌های گردآوری‌شده)

تصاویر	توضیحات	زیرمؤلفه‌ها	مؤلفه‌های عینی
---	بارندگی و رطوبت زیاد	آب و هوا	عوامل جغرافیایی
	<p>مصالح طبیعی برای بام و ساختمان استفاده از گیاه نی یا گالی برای شیروانی استفاده از خشت یا چینه گلی (وفور و رفتار حرارتی) مصالح چوبی (سبکی، سهولت دسترسی، کارپذیری، مقاومت در برابر کشش و خمش و بیمون‌وار بودن (مدولار)) ترکیب چوب و گل در ساخت خانه‌های «چینه‌ای چوبی»</p>	مصالح بومی	
	پوشش درختانی مانند: بلند مازو و ممرز (در ارتفاعات بلند) - آزاد (در ارتفاعات متوسط) - انجیلی (در ارتفاعات خیلی کم) - توسکا (در دره‌ها و کناره‌های جویبارها) - شمشاد که درختان آن همیشه سبز هستند (در میان بند) - افرا، نمرا، نارون (ملج یا اوجا) - زبان گنجشک (ون) - شاه بلوط و راش (اهمیت اقتصادی) - باغات مرکبات، کیوی، شالی کاری	پوشش گیاهی	منظر دست‌ساخت
	<p>هماهنگی با مصالح بومی، توپوگرافی و طبیعت اطراف (چرخش هدفمند) پلان‌های متنوع (وسیع و باز تا پلان‌های کوچک) فضاهای باز و پر نور برون‌گرا و در ارتباط با محیط بیرون معمولاً دو طبقه و بام‌های شیب‌دار بازشوه‌های متعدد و مناسب برای تهویه وجود خانه‌های بومی میان باغات، مسیرهای پر پیچ و خم بین زمین‌های شالی کاری و باغات مرکبات</p>	<p>سکونتگاه‌ها زیرساخت‌ها دیگر ساخت‌ها</p>	
	<p>امکان توسعه کشاورزی و باغداری به دلیل شرایط جوی و حاصلخیزی خاک امکان توسعه صیادی به دلیل ساحلی بودن شهر و قرارگیری رودخانه پر آب و دائمی کاظم‌رود در مرکز شهر</p>	<p>توپوگرافی هیدرولوژی زمین‌شناسی</p>	

(نگارندگان)

تصاویر	توضیحات	زیرمؤلفه‌ها	مؤلفه‌های ذهنی
	این جشن، در نخستین (بلندترین) شب زمستان برپا می‌شود؛ شبی که فردای آن خرم‌روز نامیده می‌شود و خود جشن بزرگی بود که پیروزی روشنی بر تاریکی و نیکی بر بدی و توفیق خورشید در رها شدن از پنجه اهریمن تباهی به شمار می‌رفت (اول دی‌ماه؛ در واقع نوروز آنان به اعتباری اول دی بود).	چله شو	
 	کل چهارشنبه (چهارشنبه‌سوری)، جشن آتش‌افروزی برای شادباز فرارسیدن عید نوروز است (شب آخرین چهارشنبه سال). در این شب، علاوه بر سنت معمول آتش‌افروزی، پارچه‌ای موم‌اندود را به صورت شمع درآورده و در گوشه و کنار خانه می‌افروزند.	پیش از عید نوروز	
	دسته عروس بابو از اوایل اسفندماه هر سال به عمق روستاهای لنگا سرازیر شده و با نمایش خود، سبب سرگرمی و یادآوری بهار زودرس می‌شدند. افراد با پوشیدن پوستین و لباس نم‌دین و در دست داشتن چماق با همراهی ساز و دهل، نمایشی عامیانه اجرا می‌کردند.	استقبال از بهار (عروس بابو)	آداب و رسوم
	نوروز خوانی، بهاریه‌ای عامیانه است که خواننده (بنا به ذوق خود) ابیاتی به آن می‌افزود.	نوروز خوانی	ارزش‌های فرهنگی
	شامگاهان ۵ روز پیش از رسیدن نوروز، با گردآوردن گون خشک (پهن خشک) و افروختن آتش قریب‌الوقوع، سال نو را به یکدیگر پیام می‌فرستادند تا همگان برای وهار جشن آماده شوند (نوروز ماه مطابق تقویم تبری، آخرین ماه سال برابر با اسفند شمسی است).	نورز ماه بیست و شش	

تصاویر	توضیحات	زیرمؤلفه‌ها	مؤلفه‌های ذهنی
	<p>در گذشته در غروب روز سیزده، جوانان با در دست داشتن چند ترکه‌ای بلند با کیسه‌ای به انتهای آن بسته شده است، همراه کودکان به در خانه‌ها رفته و با سروصدا و کوبیدن چوب به در خانه‌ها و لال‌بازی و گاهی همراه با خواندن شعر «لال بی‌مو، لال بی‌مو، پارسال و پیرار بی‌مو، چل بزین دیگ بزین، لال اینه لالک اینه، سال و ماه ارزون بوه، لال مار رسوا تو، لال اینه لالک اینه، پار بورد امسال انه» از صاحب خانه تقاضای هدیه می‌کنند و صاحب خانه هم اغلب به آنها پول، میوه و شیرینی می‌دهد (سیزدهمین روز از تیر برابر ۱۳ آبان شمسی است).</p>	<p>تیرماه سیزده</p>	
	<p>از آداب قدیمی و سنتی شالی کاران و کشاورزان این دیار بوده که آیینی برای شکر گذاری، شادمانی و احیای فرهنگ بومی است؛ به گونه‌ای که چند خانوار با هم قرار همکاری می‌گذاشتند که به نوبت، نشا و وحین مزارع خود را بدون اجیر کردن کارگر به انجام برسانند. این شکل کار در گویش لنگایی، تکل نام دارد. گروه زنان و دختران روستایی با لباس‌های الوان خود سروودخوانان، کار دسته‌جمعی را آغاز می‌کنند. در روزهای آخر تابستان، تعاون به شیوه سنتی در درو و جمع‌آوری محصول آغاز می‌شود. به پاس این کار، شب یا چاشت را در خانه صاحب مزرعه که سوری مفصل از غذاهای متنوع و خوشمزه تهیه دیده، می‌گذرانند. جشن کوپا سری (خرمن سر) مردم لنگا، بی‌شباهت به جشن انگورچینی مردم ارومیه نیست.</p>	<p>خرمن سر</p>	<p>آداب و رسوم ارزش‌های فرهنگی</p>
	<p>- پوشاک مردان: تنوع زیاد بسته به نوع کار، کشاورزی یا دامداری و فصل‌های گرم یا سرد کلاهی از جنس نمد (جلوگیری از نفوذ باران) - چقا (چوخا) پوشش غالب و استعمال عمومی آنچه به جای کت امروزی کاربرد داشت؛ همچنین کتی دیگر که شباهتی زیاد به کت امروزی داشت و کمرچین نامیده می‌شد. شلوار مردان لنگایی، از نخ پنبه بافته می‌شد و صوف نام داشت. پاپوش مردان که از پوست گاو تهیه می‌شد، چرم نام داشت. - پوشاک زنان: لباس‌هایی زیبا و چند قطعه و مناسب برای کار کشاورزی البسه زنان مرکب از روسری، پیراهن، جلیقه، کت، شلوار کوتاه و شلوار بلند بود. روسری یا سربند، لچک نام داشت و به دو صورت معمولی و پس‌گوشی به سر بسته می‌شد. کلاه پولک‌دار با سکه‌های فراوان دوخته‌شده بر آن که جنس سکه‌ها، جایگاه مادی و اجتماعی خانواده زن را آشکار می‌ساخت، نوعی دیگر از سرپوش زن لنگایی بود. پیراهن زنان معمولاً از جنس پنبه و یا ابریشم ولی بسیار کوتاه بود و به زحمت به شلیته آنان می‌رسید و گاهی نیمی از شلوار را می‌پوشاند. بر روی پیراهن معمولاً جلیقه پوشیده می‌شد که سکه‌های فراوان از فلزات مختلف بر حسب جایگاه مادی و اجتماعی خانواده زن دوخته می‌شدند</p>	<p>لباس محلی</p>	

ادامه جدول ۵. بررسی و معرفی عناصر منظر فرهنگی ذهنی شهرستان عباس‌آباد

تصاویر	توضیحات	زیرمؤلفه‌ها	مؤلفه‌های ذهنی	
	کشتی لوچو، از کشتی‌های محلی استان مازندران است و در گذشته در مراسم عروسی اجرا می‌شد، اما امروزه در بعضی از نقاط استان، این کشتی همه ساله در تابستان بعد از وجین شالی، هنگام فراغت کار روستاییان، انجام می‌شود. در ایام دیگر مانند اعیاد مذهبی و ملی نیز کشتی لوچو برگزار می‌شود و جایزه برنده، یک رأس گاو است که توسط اهالی خریداری می‌شود.	کشتی لوچو	ارزش‌های فرهنگی	
	در این بازی، افراد به دو گروه تقسیم می‌شوند و هر گروه یک سر از طناب را در دست می‌گیرد. در وسط زمین علامت‌گذاری می‌شود و بازیکنان با صدای سوت داور، شروع به کشیدن طناب می‌کنند. پای هر بازیکن اول از طناب عبور کند، آن گروه، بازنده بازی است. افراد هم دور تا دور بازیکنان جمع می‌شوند و شروع به تشویق بازیکنان می‌کنند و فضای شاد و مرفهی را شکل می‌دهند.	ریسمان کشی		
	ورزا جنگ از گذشته‌های دور، به هنگام فراغت از کارهای زراعت و کشاورزی و مناسبت‌های مختلف انجام شده است. پس از آرایش دادن ورزا، او را با طناب به میدان مبارزه می‌آورند. ورزاها به هم حمله‌ور می‌شوند و همدیگر را فشار می‌دهند. گاوداران نزدیک آنها قرار گرفته و گاوهای جنگی را با چماق‌های کلفت و ضخیم خود تحریک می‌کنند و جنگ آن‌قدر ادامه دارد تا آنکه یکی از ورزاها فرار کند، یا بیفتد یا اینکه شدیداً مجروح یا مقتول شود. این نمایش محلی، ریشه در باورها و اعتقادات مردم داشته و با نوع نگرش و شیوه زندگی اجداد و نیاکان آنها، پیوندهای عمیقی دارد.	ورزا جنگ (جنگ گاو نر)		بازی‌ها و ورزش‌های بومی
	در مراسم این رویداد، پارچه‌ها چون اجتماعی از پرچم‌ها دور تا دور میدان به اهتزاز درمی‌آیند. به این پرچم‌ها، برم گفته می‌شود. سپس، از گروه پهلوانان گالش که کوه‌نشینان و گاوچرانان نیرومند و ستبر اندام کوه‌ها هستند، برای کشتی گرفتن و عرضه هنر پهلوانی، دعوت به عمل می‌آید. کشتی که تنها ورزش اصیل و شناخته‌شده این مرز و بوم است، با سنت و آداب زندگی مردم لنگا سخت آمیختگی دارد. فنون و شیوه اجرای ویژه این کشتی که در ایران به کشتی گیل‌مردی شهرت یافته، یکی از بارزترین سرگرمی‌های جشن عروسی است.	کشتی گیله‌مردی		
	بازیکنان گردوها را دو به دو روی یکدیگر چیده و هر یک به نوبت با گردویی به نام کل یا تیره (گردوی بزرگ‌تر)، به گردوها می‌زنند. اگر نفر اول به گردوها زد و آنها را انداخت، فعلاً برنده محسوب می‌شود و بقیه بازیکنان باید به تیره او بزنند. هر کسی موفق شد، صاحب همه گردوها می‌شود؛ در غیر این صورت، نفر اول همه گردوها را جمع می‌کند.	آغوزکا (گردو بازی)		

تصاویر	توضیحات	زیرمؤلفه‌ها	مؤلفه‌های ذهنی
	در این بازی، بازیکنان به دو گروه تقسیم می‌شوند. برای بازی، دو تکه چوب یا چلیک و چوب بزرگ یا مارکا نیاز دارند. ابتدا گروه اول، چوب کوچک را روی گودالی قرار می‌دهند، سپس با چوب بزرگ به زیر چوب کوچک می‌زنند و آن را به طرف بالا پرت می‌کنند. چوب هر یک از بازیکنان که مسافت بیشتری را طی کند، آن گروه برنده می‌شود. افراد بازنده باید به برندگان سواری بدهند.	چلیک مارکا	بازی‌ها و ورزش‌های بومی
	ریسمان‌بازان دو نفر هستند؛ یک نفر به‌عنوان بندباز بالای طناب راه می‌رود و دیگری به نام شیطانک در پایین می‌ایستد. بندباز بالای طناب با گذاشتن مجمع روی سر یا سوار شدن روی دوچرخه، روی طناب راه می‌رود و شیطانک نیز در پایین با درآوردن شکلک و حرکات خنده‌آور، تماشاچیان را سرگرم می‌کند. بعد از پایان نمایش، شیطانک در بین تماشاچیان می‌چرخد و پول و شیرینی جمع می‌کند. از صاحب خانه نیز پول و شیرینی می‌گیرد.	ریسمان بازی	
---	در لنگای گذشته، سرایش و آوازه‌خوانی را خشنگری می‌نامیدند. امیری لنگایی، عاشقانه‌ها، زمین سری، ترانه‌های عزیز و نگار لنگایی، از نمونه‌های این ترانه‌ها هستند.	ترانه‌های بومی	ارزش‌های فرهنگی
---	- همه فرم‌ها و انواع موسیقی در این منطقه، به ترتیب بازتاب سه فرهنگ موسیقایی تبری، گیلی و تالقانی هستند. موسیقی لنگا به‌عنوان نوعی از موسیقی غنی شده و سرحدی در منتهی‌الیه شمال غربی فرهنگ تبری، از سه کارگان موسیقایی متأثر شده است و هویتی تثبیت شده یافت. نمونه‌های اصلی لحن‌های گیلی و تبری، همچون؛ امیری، ولگ سری، امیر و گوهر، طالبا، زرنگیس، عزیز و نگار و شماری از ترانه‌های موسوم کیجا جونی و غیره هستند. - جوش حسینی (اشعار آیین مذکور که با فرم نوحه و مرثیه خوانده می‌شوند)؛ بسیاری از اشعار و ادبیات مربوط به موسیقی مذهبی شیعه در قالب‌های شعر ایران تغییر شکل داده‌اند.	موسیقی محلی	
---	قصه شال ترس محمد، قصه ککی و غیره	افسانه‌ها	
---	رنگ‌های غالب سبز متأثر از طبیعت سرسبز و گل‌های منطقه، قهوه‌ای متأثر از چوب، رنگ‌های شاد متأثر از لباس سنتی	رنگ	

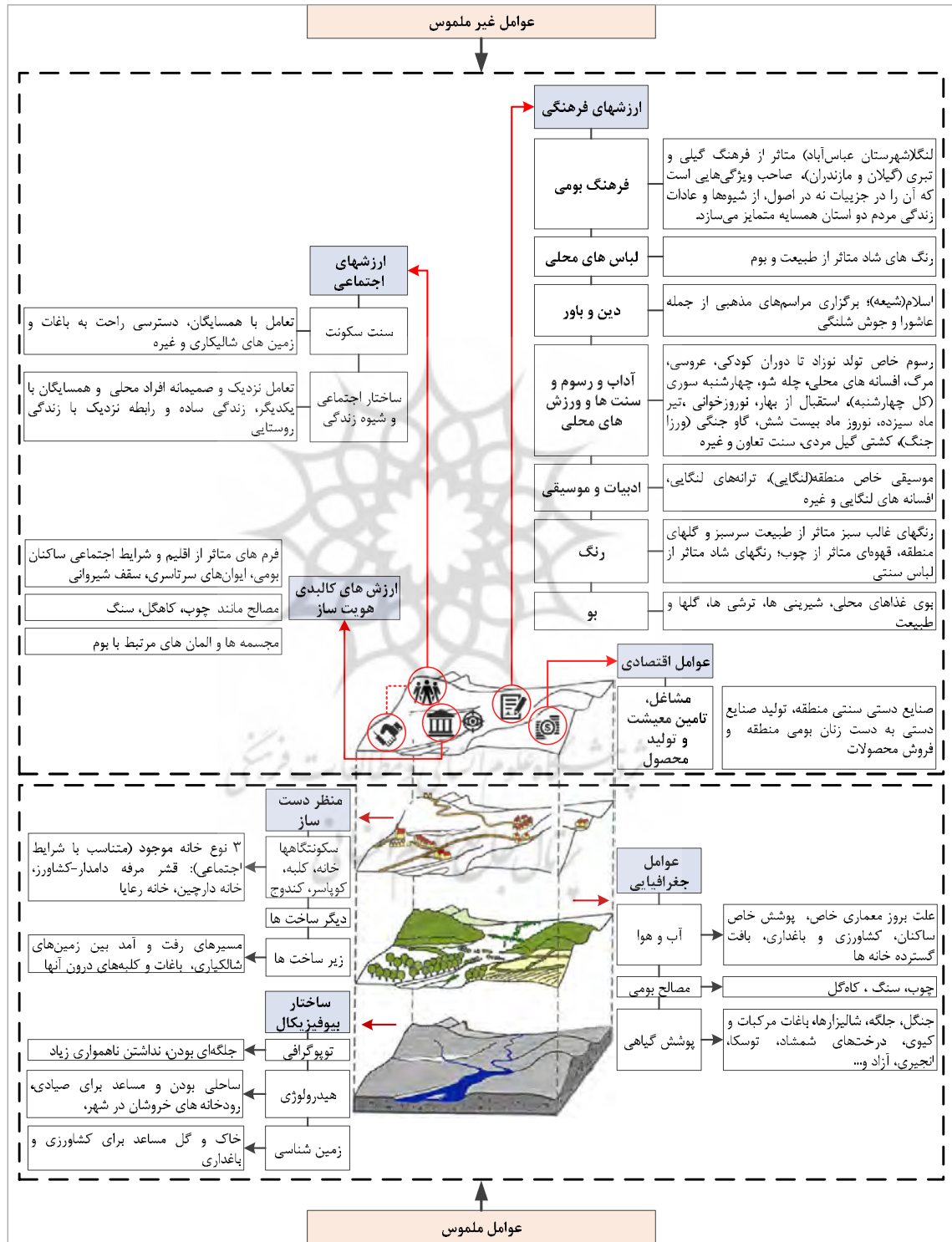
ادامه جدول ۵. بررسی و معرفی عناصر منظر فرهنگی ذهنی شهرستان عباس‌آباد

تصاویر	توضیحات	زیرمؤلفه‌ها	مؤلفه‌های ذهنی
	<p>- غذاهای سنتی این منطقه، نزدیکی زیادی با غذاهای گیلانی دارند.</p> <p>- انار تیم پلو، بادمجان ترش، سالاد انار، بورانی، ماهی شکم‌پر، باقلاقاتق و ماهی شور، مرغ ترش، مرغ شکم‌پر، ترش واش خورش، آش ترش، میرزاقاسمی، تره‌تره و انواع و اقسام آش‌ها</p> <p>- دمنوش‌های تیتبه و زعفران و نان‌های محلی از جمله کماج و شیرینی‌های محلی</p>	بو	
---	عباس‌آباد با درجاتی قابل‌اعتنا، یکی از شاخص‌ترین اماکن مذهبی دو سویه شرق و غرب خود؛ یعنی مازندران غربی و گیلان شرقی است. در این حیطه، کلار باستان و کلاردشت کنونی را همراه خود داشته که حامل و پشتوانه‌ای غنی و قابل‌اعتنا از یادگارهای مذهبی و فرهنگی کهن بوده است. در این خطه، با واژگانی روبه‌رو هستیم که نشان از حضور و رواج کیش‌های باستانی از دورترین زمان تا ورود اسلام هستند.	دین و باور	ارزش‌های فرهنگی
---	تعامل با همسایگان، دسترسی راحت به باغات، شالی‌کاری و غیره	سنت، سکونت، ساختار اجتماعی و شیوه زندگی	
---	فرم‌های متأثر از اقلیم و شرایط اجتماعی ساکنان بومی، ایوان‌های سرتاسری، سقف شیروانی	فرم	ارزش‌های کالبدی هویت‌ساز
---	چوب، کاهگل، سنگ	مصالح	
---	مجسمه‌های مشاهیر منطقه مانند؛ پرفسور تیمور لنگایی، استاد علی اصغر یوسفی‌نیا، استاد منوچهر ستوده، دکتر عزیزالله رودبارکی، دکتر عباس اسد امرجی و غیره، همچنین المان‌های سنت‌های مرتبط با بوم	نمادها و مجسمه	
	<p>- بافت ازار، پاچال و چل: چادر شب‌بافی، به نوعی بافت پارچه محلی گفته شده که توسط زنان و دختران مازندرانی و گیلانی بافته می‌شود. چادر شب که در اصطلاح محلی در استان مازندران به آن لاون می‌گویند، توسط دستگاه چادر شب‌بافی یا پاچال و یا پاچال در خانه‌ها بافته می‌شود.</p> <p>- بافت الیجه: لنگایی‌ها در بافت پارچه ابریشمی به نام الیجه در تنکابن و نقاط دور و نزدیک، شهرت به‌سزایی داشتند. الیجه از ابریشم و چوخابا جنس پشم بود. بافت ریز و محکم را در پارچه‌های دست‌بافت لنگا، چارنال یا چارنالی می‌گفتند. در دو نوع پارچه پشمی (چوخابا) و پنبه‌ای (صوف)، بافت چارنالی مرسوم بود؛ با این تفاوت که بهترین و لطیف‌ترین جنس چوخابا، چارنالی یتی و در نوع صوف، چارنالی چشم خروس موج‌دار معروف بود.</p> <p>- حصیربافی: حصیربافی در برخی از روستاهای استان مازندران به‌ویژه در غرب استان رایج است. در مازندران از نوعی حصیر به نام «کوب» برای زیرانداز استفاده می‌شود. برای بافت «کوب»، از گیاهان خود رو چون «گاله» و «واش» که در باتلاقی‌ها و آب‌بندان‌ها می‌روید، بهره می‌جویند.</p>	مشاغل و تولید صنایع دستی	ارزش‌های اقتصادی

(نگارندگان)

در نتیجه، در معرض خطر فراموشی از حافظه تاریخی نسل جدید قرار گرفته‌اند. از این رو و بر اساس یافته‌های پژوهش (تصویر ۴)، راهکارهای کلی مبتنی بر شناسایی دقیق مؤلفه‌های فرهنگی، طبیعی

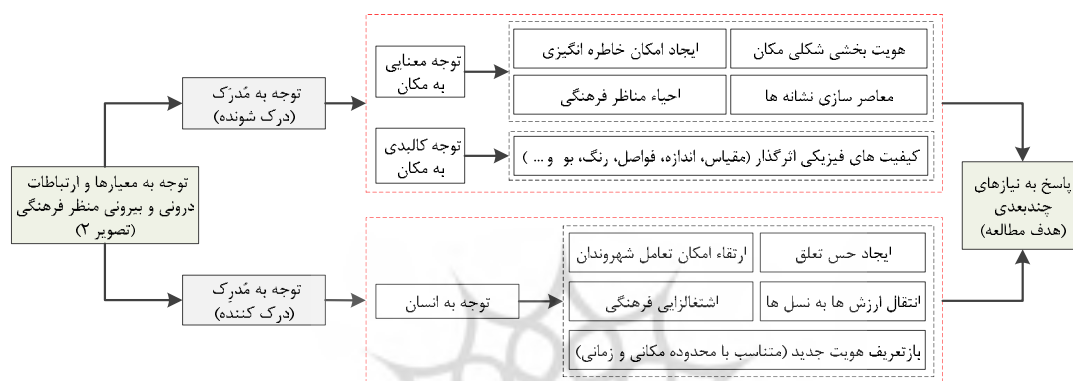
طبیعت، ساختارهای شکل‌دهنده منظر فرهنگی را در طول تاریخ پایه‌ریزی نموده‌اند. دست‌مایه‌های ارزشمندی که به دلیل عدم شناخت، برنامه‌ریزی درست و استفاده در فرآیند توسعه، در خطر مواجهه با موج تجدیدخواهی ناگزیر معاصر و



تصویر ۴. عوامل مؤثر بر شکل‌گیری منظر فرهنگی ذهنی و عینی (عناصر غیر ملموس و ملموس) نمونه مورد مطالعه (نگارندگان)

و تاریخی مورد مطالعه با در نظر گرفتن جنبه‌های عینی و ذهنی آنها، می‌توانند زمینه‌ساز شکل‌گیری فرصت هویت‌سازی مدرن بر پایه زمینه‌های تمدنی باشند. این امر در مواجهه با روند توسعه غیربومی در کنار مجازی‌سازی فرهنگ‌های معاصر، قابلیت خواهد داشت تا با دقت بر ریشه‌های بومی، تعلق سرزمینی انسان را ارتقا بخشد. از این‌رو، چارچوبی تبیینی، به‌عنوان محدود‌کننده نظری تحلیل این پژوهش با هدف دستیابی به مؤلفه‌های ماهیتی منحصر به فرد منظر

فرهنگی مورد مطالعه (شهرستان عباس‌آباد) مورد ارزیابی استخراج شد. یافته‌های حاصل از تحلیل نشان می‌دهند که تأثیر گسترده به‌کارگیری چنین مناظری، و رای تأثیر کالبدی آنها بر منظر شهر و در نتیجه رفتار استفاده‌کنندگان از فضاهای شهری است؛ به‌گونه‌ای که شکل‌گیری خاطرات جمعی و ایجاد حس مکان، منجر به شکل‌گیری منظر فرهنگی و در نتیجه، برقراری تعامل دوسویه انسان (کاربر) و محیط (شهر) می‌شود.



تصویر ۵. مدل نتیجه مطالعه (نگارندگان)

نتیجه‌گیری

مناظر فرهنگی، نشان از جاذبه و ریشه‌های فرهنگی و آیینی شهرها و روابط در حال تحول انسان با جهان طبیعی دارند. از آنجایی که بی‌توجهی و مداخلات نامناسب انسانی به‌طور فزاینده، میراث و منظر فرهنگی جامعه زیستی را تحت تأثیر قرار داده، پرداختن به این مقوله، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از این‌رو، در پاسخ به سؤال اول پژوهش، نتایج مطالعه نشان می‌دهند که پس از شناسایی (جداول ۴ و ۵)، اولویت‌بندی و بهره‌گیری از مؤلفه‌های ذهنی و عینی منظر فرهنگی و عوامل مؤثر بر آنها (تصویر ۴)، با تأکید بر معاصرسازی متناسب با نیازهای هویتی و فرهنگی (تغییر نسل) و نیز پرداختن به کیفیات فیزیکی اثرگذار در محیط مانند؛ مقیاس، فاصله، زمان و شرایط ادراک در ایجاد ارتباط مخاطب با محیط بسیار مؤثر است. به‌بیان دیگر، بهره‌گیری از این معیارها، باعث ارتقای روح مکان و تجلی زیبایی تمامی فرآیندهای موجود در یک دوره زمانی با کیفیت خاص آن خواهد شد. از این‌رو، می‌توان گفت که زندگی اجتماعی در شهرها و درهم‌تنیدگی ذهنی مردم با شهر، متأثر از مناظر فرهنگی به‌کار گرفته‌شده در مکان‌های شهری بوده که منجر به ارتقای احساس تعلق و مانایی این حس در فرآیند تغییر نسل‌ها خواهد شد. همچنین در پاسخ به سؤال دوم تحقیق، مدل نتیجه دربرگیرنده چارچوب بازتعریف ارزش‌های منظر فرهنگی، متمرکز بر ارتباط متقابل انسان و محیط، با هدف دستیابی به شرایط پاسخ‌ده به نیاز استفاده‌کنندگان در محدوده مکانی و در طول زمان، در قالب تصویر ۵ ارائه می‌شود.

منابع و مآخذ

- ابوالعالی، خدیجه (۱۳۹۱). پژوهش کیفی از نظر به تا عمل. چاپ اول، تهران: علم.
- اندرودی، الهام و صحراکاران، بتول (۱۳۹۶). منظر فرهنگی باغستان سنتی قزوین: بررسی مفاهیم پایه و تحلیل عناصر و خصیصه‌ها در حوزه کالبدی. باغ نظر، ۱۴ (۵۰)، ۳۵-۴۴.

- براتی، ناصر و سلیمان نژاد، محمدعلی (۱۳۹۰). ادراک محرک‌ها در محیط کنترل‌شده و تأثیر جنسیت بر آن. *باغ نظر*، ۱۷(۱)، ۱۹-۳۰.
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۵). سیمای شهر؛ آنچه کوبین لینچ از آن می‌فهمید. *آبادی*، ۱۶ (۵۳)، ۲۶-۲۰.
- پاکزاد، جهان‌شاه و بزرگ، حمیده (۱۳۹۱). *الفبای روان‌شناسی محیط برای طراحان*. چاپ اول، تهران: آرمانشهر.
- چشمه قصابانی، مریم؛ لقایی، حسنعلی و حبیب، فرح (۱۳۹۷). رویکردی تحلیلی بر سازوکار تأثیر منظر موقت بر ارتقای تعاملات اجتماعی. *هویت شهر*، سال دوازدهم (۱)، ۲۶-۱۳.
- دانایی‌نیا، احمد و ایل بیگی پور، فرانک (۱۳۹۶). ویژگی‌های منظر فرهنگی عشایر بختیاری و تأثیر آن در ساختار معماری کوچ‌نشین. *باغ نظر*، ۱۴ (۵۷)، ۶۳-۷۴.
- دانشگر مقدم، گلرخ؛ بحرینی، سید حسین و عینی‌فر، علیرضا (۱۳۹۰). تحلیل اجتماع‌پذیری محیط کالبدی متأثر از ادراک طبیعت در محیط انسان‌ساخت. *نشریه هنرهای زیبا*، ۳ (۴۵)، ۲۷-۳۸.
- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس و حجازی، الهه (۱۳۸۴). *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*. چاپ یازدهم، تهران: آگه.
- کالن، گوردون (۱۳۸۲). *گزیده منظر شهری*. ترجمه منوچهر طبیبیان، چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران.
- کریمی یزدی، اعظم؛ براتی، ناصر و زارعی، مجید (۱۳۹۵). ارزیابی تطبیقی ادراک فضای شهری از نظرگاه مخاطبین و متخصصین عرصه شهری (مطالعه موردی: مجموعه شهری امامزاده صالح تجریش تهران). *باغ نظر*، ۱۳ (۴۵)، ۲۶-۱۳.
- کوبی، افشین؛ پورجعفر، محمدرضا و تقوایی، علی‌اکبر (۱۳۸۴). برنامه‌ریزی کیفیت زندگی شهری در مراکز شهری، تعاریف و شاخص‌ها. *جستارهای شهرسازی*، ۱۲ (۴)، ۱۳-۶.
- گلکار، کوروش (۱۳۸۰). مؤلفه‌های سازنده کیفیت طراحی شهری. *صفه*، ۱۱ (۳۲)، ۳۸-۶۵.
- ----- (۱۳۸۵). مفهوم منظر شهری. *فصلنامه آبادی*، ۱۸ (۵۳)، ۳۸-۴۸.
- مخلص، فرنوش؛ فرزین، احمدعلی و جوادی، شهره (۱۳۹۲). مزار پیرمراد، منظر فرهنگی-آیینی شهرستان بانه. *باغ نظر*، ۱۰ (۲۴)، ۲۷-۳۸.
- مک اندرو، فرانسیس تی (۱۳۹۲). *روان‌شناسی محیطی*. ترجمه غلامرضا محمودی، چاپ دوم، تهران: زرباف اصل.
- منصوری، سید امیر (۱۳۸۹). چیستی منظر شهری؛ بررسی تاریخی تحولات مفهومی منظر شهری در ایران. *ماهنامه منظر*، ۹ (۳۳-۳۰).
- نیری فلاح، سیامک و خلیلی، اکرم (۱۳۹۶). آ تا یا؛ راهنمای مرجع پژوهش. چاپ اول، تهران: مهران.

- Aalen, F. H.; Whelan, K. & Stout, M. (1997). *Atlas of the Irish Rural Landscape*. Toronto: University of the Toronto Press.
- Agnoletti, M. (2014). Rural landscape, nature conservation and culture: Some notes on research trends and management approaches from a (southern) European perspective. *Landscape and Urban Planning*, (126), 66-73.
- Amin, A. (2008). Collective culture and urban public space. *City: Analysis of Urban Trends, Culture, Theory, Policy, Action*, 12 (1), 5-24.
- Bartuska, T. J. (2007). Understanding Environment: Built and Natural. **The Built Environment; A Collaborative Inquiry into Design and Planning (2nd ed)**. In McClure W. R. & Bartuska T. J. (Eds.). New Jersey: Wiley & Sons. 33-43.
- Bille Larsen, P. & Wijesuriya, G. (2017). Nature-Culture Interlinkages in World Heritage: Bridging the Gap. *The George Wright Forum*, 34 (2), 142-153.
- Brown, A. (2019). Interpretivism-Valuing the Unfolding Lives and Stories of Young Families. **In Respectful Research With and About Young Families. Palgrave Studies in Education Research Methods**. Cham: Palgrave Macmillan. 73-109.

- Buggey, S. & Mitchell, N. (2003). Cultural Landscape Management Challenges and Promising New Directions in the United States and Canada. In **Cultural Landscape: the Challenges of Conservation**. Paris: UNESCO; World Heritage Center. 92-100.
- Canter, D. (1983). The Purposive Evaluation of Places: A Facet Approach. *Environment and Behavior*, 15 (6), 659-698.
- Connelly, F. M. & Xu, S. (2019). Reciprocal Learning in the Partnership Project: From Knowing to Doing in Comparative Research Models. *Teachers and Teaching*, 25 (6), 627-646.
- Creswell, J. W. (2007). **Qualitative Inquiry and Research Design; Choosing Among Five Approaches** (2nd ed.). California: Sage Publications.
- Eckbo, G. (1969). **The Landscape We See** (1st ed). New York: McGraw-Hill Publishing Company.
- Fatimah, T. (2015). The Impacts of Rural Tourism Initiatives on Cultural Landscape Sustainability in Borobudur Area. *Procedia Environmental Sciences*, 28, 567-577.
- Fowler, P. (2003). **World Heritage Cultural Landscapes 1992-2002**. Paris: UNESCO World Heritage Centre.
- Francis, J.; Giles-Corti, B.; Wood, L. & Knuiman, M. (2012). Creating sense of community: The role of public space. *Journal of Environmental Psychology*, 32 (4), 401-409.
- Griñán Montealegre, M. & López Sánchez, M. (2019). Urban Commerce and Protected Cultural Landscape. *Heritage*, 2 (1), 72-85.
- Groat, L. (2013). **Architectural Research Methods** (2nd ed.). New York: Wiley.
- Harden, C. P. (2012). Framing and Reframing Questions of Human-Environment Interactions. *Annals of the Association of American Geographers*, 102 (4), 737-747.
- Ives, C. D.; Giusti, M.; Fischer, J.; Abson, D. J.; Klaniecki, K.; Dorninger, C.; ... Wehrden, H. Von. (2017). Human-nature connection: a multidisciplinary review. *Current Opinion in Environmental Sustainability*, 26 (27), 106-113.
- Joshi, J. (2019). **Landscape aesthetics, tourism, and change: Case studies in Nepal**. Wellington: Victoria University.
- Khalili, A. & Nayyeri Fallah, S. (2018). Role of social indicators on vitality parameter to enhance the quality of women's communal life within an urban public space (case: Isfahan's traditional bazaar, Iran). *Frontiers of Architectural Research*, 7 (3), 440-454.
- King, N. & Horrocks, C. (2010). **Interview in Qualitative Research**. Washington, D.C.: Sage Publications.
- Lane, P. J. (2010). Developing Landscape Historical Ecologies in Eastern Africa: An Outline of Current Research and Potential Future Directions. *African Studies*, 69 (2), 299-322.
- Lewis, P. (1979). Axioms for reading the landscape. **The interpretation of ordinary landscapes**. In Meinig D. W. (Ed.). New York: Oxford University Press. 11-32.
- Longstreth, R. (2008). **Cultural Landscapes: Balancing Nature and Heritage in Preservation Practice** (1st ed). Minneapolis: University of Minnesota Press.
- Merriam, S. B. (2009). **Qualitative Research: A Guide to Design and Implementation** (2nd ed.). New York: Jossey-Bass.
- Milan, S. B. (2017). Cultural Landscapes: The Future in the Process. *Journal of Heritage Management*, 2 (1), 19-31.





- Mitchell, N. J. (2008). Considering the Authenticity of Cultural Landscapes. *International APT Bulletin*, 39 (2-3), 25-31.
- Moore, T. & Tully, G. (2018). Connecting landscapes: examining and enhancing the relationship between stakeholder values and cultural landscape management in England. *Landscape Research*, 43 (6), 769-783.
- Rapoport, A. (2005). **Culture, Architecture, and Design**. New York: Locke Science Publishing Co.
- Sauer, C. O. (1938). **The Morphology of Landscape**. California: University of California Press.
- Tesfamariam, Z.; Nyssen, J.; Poesen, J.; Ghebreyohannes, T.; Tafere, K.; Zenebe, A., ... Van Eetvelde, V. (2019). Landscape research in Ethiopia: misunderstood or lost synergy? *The Rangeland Journal*, 41 (2), 109-124.
- Weathington, B. L.; Cunningham, C. J. L. & Pittenger, D. J. (2010). **Research Methods for the Behavioral and Social Sciences**. New Jersey: John Wiley & Sons, Inc.
- Wu, J. (2010). Landscape of culture and culture of landscape: does landscape ecology need culture? *Landscape Ecology*, (25), 1147-1150.



Received: 2019/06/18

Accepted: 2020/04/23



Cultural Landscape Components of Abbasabad city of Mazandaran

Haniyeh Sadeghian* Akram Khalili** Siyamak Nayyeri Fallah***

Abstract

The mutual interaction between man and the environment can be considered as the foundation of social events' place. The cultural landscape as the result of nature, culture, and history, carries the cultural-natural values which are based on the interaction between human and nature throughout the history. Thus, neglecting cultural landscape as a vital indicator to create perceptual communication can break the meaningful connection between humans and the environment. Accordingly, the main objectives of this research are to find out the constituent components of the Abbas Abad cultural landscape and to identify the unknown aspects of the unique values of these components in the selected case study. The present study with the interpretivism paradigm, has a theoretical-practical nature, and is designed with a qualitative approach and mixed strategies including case study and comparative historical studies. The sampling strategy in field data was targeted non-random. The required data was collected through library and field (interviewing with 13 experts based on the saturation principle) methods. Finding of this process, along with content analysis of historical-comparative study strategy documents, led to the extraction of research findings. Designing urban space based on the cultural landscape as a multi-pronged phenomenon, by shaping a new experience from the urban landscape, will create a social motive as a stimulus to enhance the quality of urban life within tangible and intangible aspects. It means that social life in cities and people's mental interwoven connection to the city is influenced by the cultural landscape used in urban areas that enhance the sense of belonging and permanence in the process of generational change. On the other hand, addressing the effective physical qualities in the environment such as the scale, distance, time and perception conditions are very effective in creating a connection between the audience and the environment. In other words, using these criteria will enhance the spirit of the place and the beauty of all the processes in a period of time with a certain quality, because the citizen's mental entanglement will be formed when there is a sense of belonging to the city, in such a way that people consider themselves as active citizens in constructing the city.

Keywords: Urban Landscape, Cultural Landscape, Perception, Objective landscape, Subjective landscape

* M.A Holder in Architecture, Quality Engineering Research Center, Islamic Azad University of Mazandaran, Noor Branch, Mazandaran, Iran. sadeghianhaniye@gmail.com

** Assistant Professor of Architecture, Islamic Azad University of Mazandaran, Mazandaran, Iran. (Corresponding Author) a_khalili@iaunour.ac.ir

*** Assistant Professor of Architecture, Islamic Azad University of Mazandaran, Mazandaran, Iran. s_nayyerifallah@iaunour.ac.ir